





دانشگاه شاهرز

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه‌ی دکتری در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

شرح دشواری‌های جلد اول

« مواهب الهی در تاریخ آل مظفر »

به کوشش:

پیوند بالانی

استاد راهنما:

دکتر زهرا ریاحی‌زمین

شهریور ماه ۱۳۹۱

به نام خدا

## اظهار نامه

این جانب پیوند بالانی (۸۴۳۱۹۱) دانشجوی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی اظهار می‌نماید که این پایان‌نامه حاصل پژوهش شخصی بوده و به هنگام مراجعه به آرای دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل منابع نقل قول را نوشته است. همچنین اظهار می‌دارد که تحقیق و موضوع این پایان‌نامه تکراری نیست و تعهد می‌نماید که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهد.

کلیه‌ی حقوق این اثر تحقیقی مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: پیوند بالانی

تاریخ و امضاء: ۹۱/۶/۲۶

تقدیم به عزیزانی که از ستایش ابدی آنان گزیری  
نیست:

تقدیم به پدر و مادر و برادرم «احسان»،

همسر صبورم «ابراهیم»،

و

روان پاک برادرم «کاوه»

## سپاسگزاری

اکنون که این رساله به پایان رسیده است برخود فرض می‌دانم که از راهنمایی‌های ارزنده‌ی استادان گرانقدر، سرکار خانم دکتر ریاحی‌زمین، جناب آقای دکتر جعفری و جناب آقای دکتر جوکار و جناب آقای دکتر نحوی قدردانی نمایم.

از همسر مهربانم آقای ابراهیم اکبری که با صبر و حوصله‌ی فراوان مرا در همه‌ی مراحل کار دلگرمی و قوت قلب داد و نیز پدر و مادر بزرگوaram که به راستی اگر وجود و حضور ایشان نبود، این پایان‌نامه به ثمر نمی‌رسید؛ و همین طور برادر عزیزم «احسان» که در تدوین بخش‌هایی از این پایان‌نامه مرا یاری داد، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

## چکیده

### شرح دشواری‌های جلد اول « مواهب الهی در تاریخ آل مظفر »

به کوشش

پیوند بالانی

مواهب الهی نوشته‌ی معین الدین علی یزدی، کتابی تاریخی است که در قرن هشتم درباره‌ی خاندان مظفری نگاشته شده است. این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که درباره‌ی آل مظفر، هم زمان با حکومت این خاندان به رشته‌ی تحریر درآمده و حاوی اطلاعات ذی‌قیمت تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ... در خصوص عصر مؤلف است.

این اثر علاوه بر داشتن ویژگی‌های سبکی و نگارشی که آن را در حیطه‌ی متون ادبی قرار می‌دهد، بسیار مورد توجه دانشجویان تاریخ و محققانی است که در دوره‌ی سلطنت آل مظفر مطالعه می‌کنند.

با وجود این که سعید نفیسی بخش نخصت مواهب الهی را در سال ۱۳۲۶ هـ.ش، تصحیح کرده است ولی این کتاب اغلاط و جاافتادگی‌های فراوانی دارد که درک مطلب را با مشکل مواجه می‌کند.

علاوه بر این، تاکنون بر این اثر غنی تاریخی شرحی نوشته نشده است. نگارنده در رساله‌ی حاضر تلاش کرده، علاوه بر شرح دشواری‌های این اثر، با دستیابی به نسخه‌های متقدم‌تر از نسخه‌های اساس کار سعید نفیسی، اغلاط فراوان متن مصحح او را مورد بازبینی قرار دهد و بدین شیوه ابهام‌های این اثر ادبی - تاریخی را تا حد امکان رفع نماید.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
|      | <b>فصل اول: مقدمه</b>                        |
| ۲    | ۱-۱- کلیات .....                             |
| ۴    | ۱-۱-۱- مؤلف مواهب الهی .....                 |
| ۶    | ۱-۱-۲- مواهب الهی .....                      |
| ۸    | ۱-۲- هدف تحقیق .....                         |
| ۸    | ۱-۳- اهمیت تحقیق .....                       |
| ۱۰   | <b>فصل دوم: مروری بر تحقیقات انجام شده</b>   |
| ۱۱   | <b>فصل سوم: مراحل و روش تحقیق</b>            |
| ۱۵   | <b>فصل چهارم: بحث و بررسی</b>                |
| ۱۵   | ۱-۴- تلخیص و ساده‌نویسی متن مواهب الهی ..... |
| ۵۲   | ۲-۴- متن مواهب الهی .....                    |
| ۲۳۷  | ۳-۴- توضیحات .....                           |
| ۳۸۱  | ۴-۴- فرهنگ لغات، اصطلاحات و کنایات .....     |

## فصل پنجم: نتیجه‌گیری

|     |   |
|-----|---|
| ۵۲۹ | ..... فهرست آیات قرآنی.....                                       |
| ۵۳۳ | ..... فهرست احادیث، امثال، حکم، کلمات بزرگان و جمله‌های عربی..... |
| ۶۴۴ | ..... فهرست بیت‌های عربی .....                                    |
| ۶۷۲ | ..... فهرست بیت‌های فارسی .....                                   |
| ۶۱۴ | ..... فهرست مصراع‌های فارسی .....                                 |
| ۶۱۶ | ..... اعلام اشخاص .....   |
| ۶۲۲ | ..... اعلام قبایل .....   |
| ۶۲۳ | ..... اعلام مکان .....  |
| ۶۲۶ | ..... فهرست راهنما.....   |
| ۶۵۷ | ..... منابع.....  |



# فصل اول

## مقدمه

### ۱-۱- کلیات

نثر عربی از ابتدا تا آغاز قرن دوم هجری، به سبک «ایجاز» و در بیان معانی کوتاه و موجز به کار می‌رفت. از اواخر قرن اول هجری تحت تأثیر آثار ترجمه شده‌ی پهلوی و یونانی به عربی، نثر عربی تقلید خود را از این متون آغاز کرد و همین امر مقدمه‌ای برای تحول نثر عربی گردید. «این تحول، ابتدا از مکاتیب و ترسلات که در آن زمان تنها نوع نثر مکتوب به شمار می‌آمد آغاز گشت و روش انشاء مکاتیب را از شیوه‌ی ایجاز، به طریق اطناب انداخت.» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۱۰۵)

ابتدا این تحول دو قرن به طول انجامید تا به کمک عبدالحمید بن یحیی و ابن مقفع، سبک ایجاز نثر عربی به اطناب مبدل شد. پیشروان بزرگ این نهضت در ادبیات عربی، ادبایی ایرانی تبار همچون ابن‌العمید، صاحب بن عباد و ابوبکر خوارزمی و بدیع الزمان همدانی بودند. عده‌ای از این گروه تفنن‌های ادبی خود را از رسایل سلطانی و اخوانی و برخی، از کتاب‌های ادبی آغاز کردند که در نهایت چنین روشی در نثر عربی به وسیله‌ی این افراد و کسانی که دنباله‌رو کار ایشان بودند به اوج خود رسید. به همین دلیل منشآت آنان از قرن پنجم به بعد الگوی کار کسانی قرار گرفت که در ادب عربی کار می‌کردند. (صفا، ۱۳۵۳: ۴۰) و به قول صاحب چهارمقاله، هر کس که قصد آموختن قواعد ترسل و انشا را داشت علاوه بر قرآن و حدیث و امثال عرب و عجم، باید به خواندن و «مطالعه‌ی کتب سلف و مناظره‌ی صحف خلف چون ترسل صاحب وصابی و قابوس و الفاظ حمادی و امامی و قدامه بن جعفر و مقامات بدیع و حریری و حمید و توقیعات بلعمی و احمد حسن و ابونصر کندی و نامه‌های محمد عبده و عبدالحمید و...» عادت کند. (نظامی سمرقندی، ۱۳۲۷: ۲۲)

علاوه بر این، زبان درسی در همه‌ی مدارس ایران که از قرن چهارم به بعد تأسیس می‌شد، عربی و هدف از تعلیم در این مدارس، کسب مهارت در علوم ادبی - عربی و علوم دینی - اسلامی بود؛ به همین دلیل مطالعه‌ی آثار بلغای نظم و نثر عربی برای افرادی که در این مدارس تحصیل می‌کردند، ضروری به نظر می‌رسید. به این طریق شیوه‌ی نگارش نویسندگان متصنع عربی در آثار فارسی ایشان نیز مؤثر واقع می‌شد و همین عوامل، باعث پیدایش و رواج نثر مصنوع فارسی می‌گشت.

نثر مصنوع فارسی از قرن ششم به طور تمام و کمال رواج پیدا کرد؛ به طوری که در نیمه‌ی اول قرن ششم یعنی در حدود سال ۵۳۸ تا ۵۴۰ هـ. ق، ابوالمعالی نصر... منشی نخستین اثر مصنوع فارسی یعنی کلیله و دمنه را به رشته‌ی تحریر درآورد.

اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم را باید دوره‌ی اوج و رواج نثر فنی دانست. تاخت و تاز بی‌وقفه، کشتار بی‌امان و ویرانکاری‌های سریع چنگیز و سپاهیان‌ش از اواخر سال ۶۱۶ هـ. ق با اینکه اوضاع و احوال کشور را به کلی دگرگون نمود و مراکز مهم علمی و ادبی ماوراءالنهر، خراسان و عراق را پای سپر لشکریان مغول نمود و بر اثر آن بسیاری از خاندان‌های بزرگ و دانش دوست که پیش از این حامی عالمان و ادیبان بودند به یکباره برفتادند و توانایی خود را در حمایت از این افراد از دست دادند؛ اما به حکم آن که اعتلا و انحطاط ادبیات و علوم تدریجی است و یک مرتبه رخ نمی‌دهد، (بهار، ۱۳۷۳: ۳) با ورود مغول، سبک قرن ششم به یکباره دگرگون نشد، تا یک قرن پس از هجوم مغول، هنوز هم نویسندگان و شعرا به شیوه‌ی پیشینیان در قرن ششم توجه داشتند.

در این دوره، به دلیل توجه خاص مغولان به ثبت و ضبط وقایع، فن تاریخ‌نویسی به شعبه‌ی مهمی از شعب ادبیات تبدیل شد؛ به گونه‌ای که «در این قسمت از سابقین پیشی گرفت و کتب عمده‌ی تاریخی در این زمان به وجود آمد و اگر دوره‌ی تیموریان را نیز به این دوره منضم سازیم، باید گفت ایران بلکه عالم اسلام، در هیچ دوره بهتر از این دوره از عهده‌ی این فن برنیامده است.» (بهار، ۱۳۷۳: ۴) به گونه‌ای که در دو قرن هفتم و هشتم، کتاب‌های مفصلی در زمینه‌ی تاریخ عمومی و نیز تاریخ‌های محلی نگاشته شد.

شیوه‌ی تدوین تاریخ‌هایی در اسلوب نثر مصنوع و فنی از دوره‌ی سلجوقیان و بعد از آن کم‌کم بین مورخان متداول شد که بدون شک این امر، نتیجه‌ی تفوق‌جویی تربیت یافتگان

مدارس نظامیه در مراتب و مناصب دیوانی بود. به این ترتیب تاریخ‌نویسی نیز مانند شعر و نثر به سمت صنعت‌پردازی و تصنع و تکلف پیش رفت. به گونه‌ای که به تدریج تاریخ‌نویسی روشنی و ایجاز خود را آن‌گونه که در تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی می‌بینیم، تحت‌تأثیر ذوق تصنع‌جوی اهل مدرسه از دست داد و به مقوله‌ای از نثر فنی تبدیل شد که در نزد مؤلفان راحه‌الصدر و تاریخ جهانگشا و تاریخ و صاف، تاریخ بعد از صنعت‌پردازی‌های ادیبانه و منشیانه در درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفت. (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۵۵۸)

یکی از آخرین کتاب‌هایی که به این سبک نگاشته شده است، کتاب «مواهب‌الهی» است.

### ۱-۱-۱- مؤلف مواهب‌الهی

مؤلف «مواهب‌الهی» مولانا معین‌الدین علی بن جلال‌الدین محمد یزدی معروف به معلم از دانشمندان و نویسندگان معروف قرن هشتم هجری است. وی پس از کسب مقدمات علوم به یادگیری علوم شرعی در خدمت قاضی عضدالدین ایجی پرداخت و کتاب‌های مفتاح العلوم سکاکی و شرح اصول ابن حاجب و کشف زمخشری و شرح کتاب‌های مواقف و جواهر را در اصول و کلام، نزد وی خواند. مفصل‌ترین منبعی که درباره‌ی معین‌الدین یزدی سخن گفته، کتابی است در تاریخ یزد با نام «جامع مفیدی» که محمد مفید بن نجم‌الدین محمود مستوفی بافقی یزدی آن را در سال‌های ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۰ هـ. ق نگاشته است. وی در این کتاب درباره‌ی معین‌الدین می‌گوید: «الموفق به تأییدات‌الهی مولانا معین‌الدین معلم یزدی، در زمان خود اعلم علما و افقه فقها بود و پیوسته اوقات با برکات را به درس و افاده‌ی علوم عقلی و نقلی صرف نموده، به قلم بلاغت، رقم تألیفات فصاحت شیم بر صفحات روزگار مرقوم می‌گردانید و از اوایل زمان سلطنت سلاطین حشمت تمکین آل مظفر، که شهریاران نیک سیرت ملک نهاد و جهاندارانی خوب صورت پاک اعتقاد بودند، تا اواخر استقلال آن زمره‌ی عدالت‌کیش در بلده‌ی فاخره‌ی یزد بر سجاده‌ی تقوی و پرهیزگاری نشسته، مردم آن دیار از تزکیه‌ی نفس نفیس و تصفیه‌ی خاطر خطیرش بهره‌مند می‌گشتند.» (مستوفی بافقی یزدی، ۱۳۴۰: ۳۲۹)

پدر وی مولانا جلال‌الدین محمد از علمای روزگار خود و از ملازمان امیر مبارزالدین محمد بود. معین‌الدین پس از به پایان رساندن تحصیلات، به واسطه‌ی پدر خود و نیز به معرفی

یکی از امرای دربار مظفری به نام امیر اختیارالدین حسن قورجی، از سال ۷۴۴ هـ. ق در یزد به خدمت سلسله‌ی آل مظفر درآمد. او در سال ۷۴۵ هـ. ق مجلس درسی در کرمان برپا نمود و در سال ۷۵۵ هـ. ق نیز پس از بازگشت از سفر حج، به دستور امیر مبارزالدین محمد به تدریس در دارالسیاده‌ای که پادشاه مظفری در یزد ساخته بود، مأموریت یافت. وی سمت تعلیم شاه شجاع را نیز بر عهده داشت. به همین دلایل به «معلم» معروف شده بود.

احمد بن حسین بن علی کاتب در کتاب «تاریخ جدید یزد» که حدود سال ۸۶۱ هـ. ق تألیف کرده است درباره‌ی معین‌الدین می‌نویسد: «... مردی فاضل و کامل بود و سلاطین بنی‌مظفر او را عزیز داشتندی و معلم شاه شجاع بود و سخن او در میان بنی‌مظفر حجت بود و تاریخ معینی مظفر او نوشته بود و به غایت کمال نوشته بود...» (کاتب، ۱۳۴۵: ۱۲۰)

او همچنان در خدمت آل مظفر و مورد محبت امیر مبارزالدین و پسرش شاه شجاع بود تا این‌که در سال ۷۸۹ هـ. ق بدرود حیات گفت.

در تاریخ یزد تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری که پس از ۸۴۵ هـ. ق نگاشته شده، درباره‌ی مسجد و مرقد معین‌الدین چنین آمده است: «مسجد مولانا معین‌الدین و تاریخ بنای آن - در اهرستان قریب باغ ساباط. این مسجد مولانا معین‌الدین جلال حافظ ساخته و مقبره‌ی خود را در جنب آن احیا کرده...» (جعفری، ۱۳۳۸: ۷۸)

احمد بن حسین بن علی کاتب نیز در تاریخ جدید یزد می‌نویسد: «... در اهرستان، در موضعی که آن را دشتوک می‌خوانند، مسجدی عالی ساخته و گنبدی از جهت مدفن خود پرداخته و در جنب مسجد، پنجره‌ی کاشی بر شارع نهاده و بعضی از عمارات مسجد باقی بود که مولانای مشارالیه درگذشت. مولانای عظمی مسجد تمام کرد و مولانا را در گنبد خانه دفن کردند و حرمش نیز وفات کرد، هم در آنجا مدفون است.» (کاتب، ۱۳۴۵: ...)

از آثار معین‌الدین می‌توان به «مواهب الهی»، «نزهه‌السرور» و نیز ترجمه‌ی «رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیه» از شیخ شهاب‌الدین سهروردی که آن را در سال ۷۷۴ هـ. ق برای شاه شجاع از عربی به فارسی برگردانده، اشاره نمود. گویا معین‌الدین به جز این دو اثر، کتاب مفصل دیگری در تاریخ آل مظفر به نام «اساس السلطنه» نیز داشته است.

## ۱-۱-۲- مواهب الهی

مهم‌ترین اثر معین‌الدین «مواهب الهی» است. سعید نفیسی در مقدمه‌ی این کتاب می‌گوید «نامش را به خطا «مواهب الهیه» هم ضبط کرده‌اند و شامل تاریخ امیر مبارزالدین محمد بن مظفر و چند ماه از پادشاهی جلال‌الدین ابوالفوارس شاه شجاع پسر اوست که در سلخ ربیع‌الاول ۷۶۵ به پادشاهی نشست است و چون آخرین وقایعی که در آن ثبت شده از سال ۷۶۷ است، پیداست که در این سال آن را به پایان رسانیده است.» (یزدی، ۱۳۲۶: ۱۲)

معین‌الدین در کتاب «مواهب الهی» درباره‌ی نامگذاری این اثر می‌گوید: «و نام این همایون نامه بر حسب اشارت مبارک شیخ سالک ربانی عز‌المله و الدین ابراهیم الزرقانی دامت برکاته، که مجاور قبه‌ی مقدس سلطان الاولیاء و الاقطاب فی‌الافاق شیخ ابی‌عبدالله الخفیف [قدس‌الله روحه] است [دامت برکاته] در شیراز مواهب الهی نهاده شد.» (یزدی، ۱۳۲۶: ۱۹)

همان‌گونه که اشاره شد، «مواهب الهی» به شرح وقایع سلسله‌ی مظفری، از آغاز تا سال ۷۶۷ هـ. ق (زمان نگارش کتاب) یعنی یک سال بعد از فوت امیر مبارزالدین اختصاص دارد. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب به این مطلب اشاره می‌کند که سعی داشته در این اثر با شرح مآثر امیر مبارزالدین محمد، دین خود را در مقابل محبت‌هایی که نسبت به وی داشته ادا کند.

مواهب الهی جزو آن دسته از کتاب‌های تاریخی محسوب می‌شود که به سلسله‌ی معینی از پادشاهان اختصاص یافته است؛ به همین دلیل چون این کتب به وسیله‌ی نویسندگان دربارهای وقت نگاشته شده است، حاوی اطلاعات سودمند و مستقیمی درباره‌ی پادشاهان و دوره‌ی معاصر مؤلفان آنهاست.

این کتاب از آخرین کتاب‌های تاریخی است که با نثر مصنوع و مزین نگاشته شده است. نویسنده‌ی این کتاب با اصراری که در رعایت تصنع و تکلف داشته، اثر خود را جانشین جهانگشای جوینی نموده است؛ اما باز هم نثر آن از نظر دشواری به تاریخ و صاف نمی‌رسد و حتی باید گفت که مهارت و استادی معین‌الدین در نگارش به اندازه‌ی نویسندگان این دو کتاب هم نیست. (صفا، ۱۳۵۳: ۱۲۹۹)

عباس اقبال درباره‌ی نثر مواهب الهی می‌نویسد: «مواهب الهی اگر چه از حیث اشتمال بر وقایع تاریخی ایام حکومت آل مظفر و احوال جنوب ایران در آن دوره از کتب نفیسه است، اما بدبختانه از جهت انشاء، یکی از متکلف‌ترین کتب مصنوعه‌ی فارسی است و مؤلف آن در

آوردن عبارات مغلق و جمل مکرر و استعارات خنک به قدری افراط کرده که بیرون آوردن مطالب تاریخی از کتاب او کاری چندان آسان نیست...» (اقبال، ۱۳۴۱: ۵۲۷)

دشواری این متن به گونه‌ای است که در قرن نهم، فردی به نام محمود کتبی یا محمود گیتی، متن ساده‌ای به نام «تاریخ آل مظفر» از روی مواهب الهی تهیه می‌کند و وقایع آن را تا سال ۷۹۵ ه.ق؛ یعنی تا پایان سلسله‌ی مظفری ادامه می‌دهد. محمود کتبی در کتاب خود درباره‌ی نثر معین‌الدین می‌نویسد: «مولانا افضل سعید مغفور مولانا معین المله و الدین یزدی رحمه الله علیه رحمه واسعه بعضی از تاریخ ایشان تألیف فرموده به واسطه‌ی استعارات غریبه و عبارات عجیبه و اطرا در مدایح ایشان و اغراق در اوصاف هر یک از آنان، چهره‌ی عروس مقصود در تنق احتجاب و امتناع مانده...» (کتبی، ۱۳۳۵: ۱) و از آنجا که گویا کتبی بنا به گفته‌ی خود او «با عن جد» از خدمتگزاران این سلسله بودند، تصمیم می‌گیرد که ذیل کتاب تاریخ گزیده‌ی حمدا ... مستوفی نثری ساده از کتاب مواهب الهی تهیه کند تا به نحوی در برابر این سلسله دین خود را ادا کرده باشد.

از کتاب «مواهب الهی» ۲۹ نسخه‌ی خطی باقی مانده است که می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱- کمبریج، موزه‌ی فیتس ویلیام ۱۲۷۷: نوشته‌ی ۷۷۸ ق [استوری ۱: ۲۷۷- بریگل ۲:

[۷۸۴

۲- تبریز، ملی ۳۵۹۵: سده‌ی ۸-۹، [نسخه‌ها ۴: ۳۱۴].

۳- پاریس، ملی (بلوشه ۱: ۴۵۳) نوشته‌ی ۸۸۸ ق.

۴- استانبول، فاتح ۴۲۲۶: نوشته‌ی ۸۹۳ ق.

۵- تهران، دانشگاه ۴۳۰۱ نستعلیق سده‌ی ۱۰.

یک نیمه از متن کتاب در سال ۱۳۲۶ ه.ش در تهران به تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی چاپ شده است، که اساس کارنگارنده‌ی این رساله قرار گرفته است.

## ۱-۲- هدف تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق، گره‌گشایی و شرح دشواری‌ها و ابهام‌های موجود در لغت‌ها، اصطلاح‌ها، عبارت‌ها، جمله‌ها، اشعار و ... در جلد اول کتاب مواهب الهی، به منظور آشنایی و انس بیشتر با یکی از کتاب‌های معتبر تاریخی ایران زمین است. در کنار این هدف اصلی، اهداف فرعی دیگری چون بررسی سبکی مواهب الهی و استخراج نکات سبک‌شناسانه و ساختاری کتاب نیز دنبال می‌شود.

## ۱-۳- اهمیت تحقیق:

کتاب مواهب الهی یکی از متون نثر قرن هشتم است که در تقسیم‌بندی موضوعی متون، در حوزه‌ی تواریخ سلسله‌ای یا حکمرانان محلی جای می‌گیرد. تاریخ‌های محلی به صورت عام، به دلیل این که «حاوی اطلاعات سودمندی درباره‌ی دانشمندان و شاعران محلی و همچنین سلسله‌های کوچک سلاطین، یا خاندان‌های قدیم که در ولایت یا شهری بوده‌اند، و نیز حاوی مطالب نادر و مهمی درباره‌ی روابط سلسله‌های سلاطین ایرانی با نواحی مورد مطالعه و امثال این امور هستند و درباره‌ی میزان کشت و برز و مالیات‌ها و رسوم و آداب و مساجد و بقاع و مدارس و مزارات و نظایر این امور معلومات قابل ملاحظه‌ای از همه‌ی آنها به دست می‌آید.» (صفا، ۱۰۵:۱۳۷۰) بسیار حائز اهمیت هستند.

از بین این کتب تاریخی، کتاب مواهب الهی به دلیل نثر مصنوع و کاربرد آرایش‌های لفظی و آیات و احادیث فراوان و اطنابی که گاه خواننده را از ماجرای اصلی متن دور می‌کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که این اثر به دلیل اشتغال بر اطلاعات سودمند درباره‌ی فارس و تاریخ آل مظفر بسیار اهمیت دارد و می‌تواند بسیاری از مسائل را درباره‌ی زمان و محیط زندگی حافظ روشن نماید.

نگارنده با توجه به همین دلایل، رساله‌ی خود را به شرح و تحلیل و بررسی کتاب تاریخی مواهب الهی اختصاص داده است.



## فصل دوم

## مروری بر تحقیقات انجام شده

با وجود اهمیت خاص کتاب «مواهب الهی» که پیش از این بدان اشاره شد، نثر فنی و مصنوع این اثر که گاه به املال می‌انجامد، پس از گذشت قرن‌ها، هنوز هم مورد توجه و اقبال قرار نگرفته است.

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، هنوز نیمی از این اثر تاریخی به صورت نسخه‌ی خطی است و تصحیحی از آن وجود ندارد. نثر ثقیل و دشوار معین‌الدین در پردازش کتاب، خیلی زود هر خواننده‌ای را ملول و دلزده می‌کند، به همین دلیل جز اشاره‌های مختصری در کتاب‌های تاریخ ادبیات، کار ارزشمند تحقیقی روی این اثر انجام نشده است. برای مثال، در جلد سوم «تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی» و یا جلد چهارم «گنجینه‌ی سخن» از ذبیح الله صفا جز اشاره‌ی مختصری راجع به شرح حال مؤلف و توضیح اجمالی درباره‌ی کتاب چیز دیگری نمی‌یابیم.

تنها اثری که در این باره می‌شناسیم، تلخیصی است به نام «تاریخ آل مظفر» که محمود کتبی یا محمود گیتی در قرن نهم هجری از روی این کتاب انجام داده است و متن آن را به صورت ساده بیان نموده است. البته محمود کتبی وقایع این کتاب را تا سال ۷۹۵ هـ. ق، یعنی تا پایان تاریخ آل مظفر ادامه داده است.

مقدمه‌ای نیز که سعید نفیسی بر قسمت اول کتاب مواهب نگاشته، اطلاعات سودمندی درباره‌ی این اثر در اختیار ما می‌گذارد.

نگارنده بر آن است که در این اثر تحقیقی با در پیش گرفتن راهی تازه علاوه بر پرداختن به شرح حال و زندگی مؤلف و شرح دشواری‌های این اثر مصنوع، متنی روشن و منقح همراه با نکات دقیق تاریخ ادبیاتی در اختیار خوانندگان قرار دهد.

# فصل سوم

## مراحل و روش تحقیق

تدوین این رساله به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و توصیفی، همراه با بررسی و تحلیل دقیق متن است. به این ترتیب که نگارنده پس از استخراج دشواری‌های متن، با مراجعه به فرهنگ‌های لغت معتبر و با استناد به منابع تاریخی، جغرافیایی، اعلام و انساب، امثال و حکم و حتی دیوان‌های مختلف شاعران عرب و پارسی گو، ابهامات و دشواری‌های موجود در متن را به شیوه‌ی مشروح و مبسوط برطرف نمود. الگویی که نگارنده از ابتدا تا پایان کار پیش روی خود داشته، روش امیرحسین یزدگردی در شرح نفثه المصدور بوده است.

شیوه‌ی تحلیل متن کتاب مواهب الهی به طور خلاصه، به شیوه‌ی زیر است:

- ۱- معنی کلمه‌ها و ترکیب‌های دشوار و دور از ذهن به ترتیب حروف الفبا
- ۲- توضیح جمله‌ها و عبارت‌های مبهم و دشوار به ترتیب صفحه
- ۳- ترجمه‌ی آیات و احادیث همراه با ذکر شأن نزول آیه و گوینده‌ی حدیث
- ۴- ترجمه و تحلیل اشعار عربی به همراه معرفی نام گوینده
- ۵- معرفی اشخاص، اماکن، قبایل و ...
- ۶- یافتن عناصر زیبایی شناسی متن و توضیح آن
- ۷- شرح و ریشه‌یابی مثل‌ها، اعم از فارسی و عربی
- ۸- فهرست‌ها

با وجود این که سعید نفیسی در سال ۱۳۲۶ هـ. ش نیمه‌ی نخست این کتاب را تصحیح نمود، اما خود او نیز اذعان دارد که نسخه‌ی اساس او نسخه‌ای مغلوط بوده است: «این نسخه با همه‌ی اعتباری که به نظر می‌آید داشته باشد بی‌غلط نیست و گاهی کاتب خطاهای فاحش کرده و چیزی از قلم انداخته و کلمات را بی‌نقطه گذاشته و آنچه توانستم در تصحیح آن کوشیدم؛ اما باز غلط‌های درست ناکرده در آن مانده و خوشبختانه به اصل مطلب و تاریخ، زیانی